

## بررسی دفاع مشروع در مقابل پلیس از دیدگاه حقوق ایران و حقوق بین الملل

محمد مجد

مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی، فرماندهی انتظامی استان خوزستان

ابراهیم مقدم<sup>۱</sup>

مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی، فرماندهی انتظامی استان خوزستان

پیام علیزاده

مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی، فرماندهی انتظامی استان خوزستان

### چکیده

انسان همواره در پی صیانت از دو ساحت مادی و معنوی خود بوده و در مقابل عملی که ناعادلانه و نامشروع بوده ایستاده است. مال، جان، شرف و حیثیت مواردی بوده که بشر برای آنها جنگیده، جان داده یا جانی را گرفته است. دفاع مشروع در مقابل قوای دولتی و پلیس نیز جزء این موارد است. جایی که از حدود وظایف خود تجاوز کند و خسارتی در شرف به وجود آمدن باشد. دفاع مشروع در جایی جایز و پدید می‌آید که به جز ارتکاب جرم هیچ راه دیگری برای دفع خطر ممکن نباشد. در این صورت مدافع نه مسئولیت کیفری دارد، نه مجازات و نه ضامن خساراتی است که به بار می‌آورد. در مقام دفاع مشروع چند نظریه شاخص وجود دارد که در این نگاره به سه نظریه اصلی پرداخته خواهد شد. با این حال یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد نظریه‌های متفاوتی درباره دفاع مشروع در مقابل پلیس وجود دارد، از قبیل نظریه مقاومت مطلق، نظریه اطاعت مطلق و نظریه مختلط که مورد بحث قرار خواهد گرفت. با این حال سوال اصلی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در مقام دفاع در مقابل پلیس مدافع تحت چه شرایطی مسئولیت کیفری از او ساقط و حدود و ثغور تجاوز از وظیفه کجاست؟ هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی دفاع مشروع در مقابل پلیس از دیدگاه حقوق ایران و حقوق بین الملل می‌باشد که به روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: دفاع مشروع، پلیس، تمرد، حقوق بین الملل

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: e.moghadam2014@gmail.com

دوام و بقای جامعه و سعادت انسان ها را باید در گرو وجود عدالت و فعلیت یافتن آن در روابط و مناسبات اجتماعی دانست. تحقق عدالت اجتماعی نیز به نوبه خود مستلزم تقویت و تحکیم مبانی و پایه های آن می باشد که اهم آن عدالت کیفری است. عدالتی که باید قوام بخش آزادی، امنیت و آسایش عمومی باشد. چنین امری جز در پرتو وجود نهادهایی که عهده دار انجام آن باشند، امکان پذیر نخواهد بود. نهاد پلیس یکی از مهم ترین ارگان هایی است که عهده دار حفظ نظم و امنیت است. علاوه بر آن این نیروها به عنوان ضابطین دادگستری وظایف زیادی را بر عهده دارند که از جمله آن می توان به مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق، مبارزه با منکرات و فساد، پیشگیری از وقوع جرم، کشف جرائم، بازرسی و تحقیق، حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آن ها و ابلاغ اوراق قضایی و ... اشاره نمود. ملاحظه می شود که بسیاری از این اختیارات در تعارض با حقوق و آزادی های اشخص از جمله حق حیات، حق بر اموال، حق آزادی تن، حق آزادی در رفت و آمد و ... قرار دارد؛ پس باید در اجرای آن دقت فراوانی نمود. لازمه اجرای صحیح و موفقیت آمیز این وظایف نیز، احترام به جان، مال و شرف و حیثیت افراد جامعه و تمکین از قوانین و مقررات نظامی، انتظامی، عمومی و ... توسط متولیان این وظایف و مأموریت ها است. یکی از آثار عدم انجام صحیح یا خروج از وظیفه از سوی این مامورین، امکان مقاومت در برابر آنان خواهد بود. به این معنی که طرف مقابل حق خواهد داشت با وجود شرایطی از خود دفاع نماید (رحمدل، ۱۳۹۳). به طور کلی در مورد اعمالی که توسط پلیس انجام می پذیرد، سه فرض متصور است: فرض اول هنگامی است که پلیس در حالت عادی و بدون آن که در حال انجام وظیفه باشد مرتکب اعمالی شود که غیر قانونی و جرم است. در این حالت وی دارای خصوصیت و وجه تمایزی نسبت به افراد دیگر نیست؛ بنابراین مقاومت در برابر اعمال مجرمانه وی مشروع بوده و نیاز به بحث مستقل ندارد. حالت دوم وقتی است که پلیس در حال انجام وظیفه باشد و در حدود وظایف محوله و صلاحیت و اختیارات خود عمل کند. در این فرض، اقدامات وی قانونی بوده و چون در مقام اجرای قانون یا دستور مقام مافوق است، مقاومت در برابر آن مشروع نبوده و ترمد محسوب می شود. حالت سوم نیز زمانی است که پلیس در حال انجام وظیفه باشد؛ ولی خارج از حدود وظایف و صلاحیت خود عمل کند. در این حالت، اعمال وی غیر قانونی و در شرایطی قابل دفاع یا تعقیب و مجازات است. اختلاف عقیده حقوق دانان بیشتر در این فرض پدیدار می شود. مساله مبهم تر نیز ضابطه تشخیص خروج یا عدم خروج این مامورین از حیطه وظایف خود است. تبیین و تفسیر هر یک از این مولفه ها و چالشها، در راستای سیاست جنایی قانونگذار، به منظور اتخاذ رویه قضایی صحیح و تطبیق آن به مبانی بین المللی، اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش می-باشد، از طرفی نیز، مساله اساسی در این پژوهش این است که، در مقام دفاع و عمل چه دستاردها و چالش های برای مدافع و مراجع قضایی و انتظامی ایجاد نموده است. به نظر می رسد، عملکرد قانونگذار، در تبیین و مشخص کردن حدود و ثغور تجاوز و دفاع بسیار مهم و موثری خواهد بود. این مقاله در پی بیان مواردی است که شامل؛ الف- تعریف دفاع مشروع ب- تعریف پلیس و حقوق بین الملل مربوط به آن پ- تجاوز و تعریف آن در حقوق بین الملل. ت:حمله پیش دستانه و حالت ضرورت در حقوق بین الملل. ج:دفاع مشروع و شرایط آن در حقوق بین الملل و همچنین چالش های آن در قوانین ایران، از قبیل؛ الف- بررسی دفاع مشروع در مقابل پلیس در حقوق کیفری ایران. ب:شرایط حمله و تجاوز پ- غیرقانونی و غیر عادلانه بودن تجاوز ت- شرایط دفاع و چالش های آن ج- مناسب بودن دفاع با تجاوز و حمله

حال در پژوهش حاضر تلاش براین است که، ابتدا با کنکاش در قوانین بین المللی حدود و ثغور دفاع در مقابل پلیس و احصاء آن و سپس چالش های پیش رو دفاع مشروع در قوانین ایران را مورد کنکاش قرار دهد.

## تعریف دفاع مشروع

درباره اصطلاح «دفاع مشروع» اظهار نظرهای مختلفی در حقوق جزای ایران و سایر کشورها شده و اختلاف اصلی نظریه پردازان نیز بر سر فلسفه و ماهیت حقوقی آن است. در حقیقت دفاع مشروع از عوامل موجه جرم بوده و عمل کسی است که در مقام دفاع از خود یا دیگری مرتکب فعلی می شود که در شرایط عادی جرم است؛ ولی در این حالت موجه محسوب می گردد و بنابراین نه تنها مباشر، بلکه شرکاء و معاونین نیز نباید مجازات شوند. (صدیقی، ۱۳۸۷) تعریف ذیل را می توان مناسب ترین تعریف برای این نهاد که جامع و در عین حال مانع باشد دانست: «دفاع مشروع عبارت از امتیاز یا حقی است که قانون برای شخصی که مورد حمله تجاوز کارانه قرار گرفته مقرر کرده است تا با استفاده از قدرت فیزیکی لازم، در هنگام ضرورت و عدم دسترسی به قوای دولتی، با عملی که ضرورت دارد و با استفاده از وسایل متناسب، خطر فوری و نامشروعاً دفع کند که یکی از منافع مورد حمایت قانون را از جمله نفس، مال، آزادی تن و ناموس خود یا دیگری را مورد تهدید قرار داده است، به طور که این دفع خطر تقریباً همیشه مستلزم ارتکاب جرائم خشونت آمیز و ایراد صدمه به متجاوز است». (العطار، ۱۳۷۵)

در قوانین موزه ایران و مطابق ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ و تبصره های آن قانون گذار تغییراتی کلی را نسبت به قانون سابق اعمال نموده است.<sup>۲</sup> از جمله این که از یک طرف شرط جدید عدم تقصیر قبلی مدافع به شرایط دفاع افزوده شده و از طرف دیگر، شرط تناسب میان دفاع و حمله حذف و امکان دفاع از دیگری وسعت یافته است. «دفاع مشروع عبارت از امتیاز یا حقی است که قانون برای شخصی که مورد حمله تجاوزکارانه قرار گرفته، مقرر کرده است تا با استفاده از قدرت فیزیکی لازم در هنگام ضرورت و عدم دسترسی به قوای دولتی، با عملی که ضرورت دارد و با استفاده از وسایل متناسب، خطر فوری و نامشروعاً دفع کند که یکی از منافع مورد حمایت قانون از جمله نفس، مال، آزادی تن و ناموس خود او یا دیگری را مورد تهدید قرار داده است. به طوری که این دفع خطر تقریباً همیشه مستلزم ارتکاب جرائم خشونت آمیز و ایراد صدمه به متجاوز است (رحیمی مقدم، ۱۳۸۹).

## - تعریف پلیس

واژه پلیس از لحاظ لغوی از ریشه یونانی پولیتیمشتق شده است. این کلمه در قرن چهارده میلادی به پلیسیو در قرن پانزده به پلیستغیر یافته است. مفهوم آن نیز قاعده و قانون اداره شهر و مقررات لازم برای استقرار نظم در شهرها بوده است. در ایران نیز واژه پلیس در مورد سازمان های شهربانی و ژاندارمری سابق استفاده شده و با ادغام سازمان های سابق و تشکیل نیروی انتظامی این لفظ در مورد سازمان اخیرالذکر به کار برده می شود؛ فلذا با توجه به تشکیلات جدید نیروی انتظامی در ایران، تعریف زیر از پلیس قابل ارائه است: نیروی انتظامی و پلیس سازمانی مسلح است که در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور بوده و هدف از تشکیل آن استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهداری و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است (محمدنسل، ۱۳۸۷) تأکید ما در اینجا بر وظایف و اختیارات نیروهای انتظامی و پلیس به عنوان جامع و کامل ترین مصداق ضابط دادگستری که در ارتباط بیشتری با مردم می باشد و امکان دفاع در برابر آنها خواهد بود.

<sup>۲</sup> - هر گاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هر گونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع، با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی شود: الف - رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ب - دفاع مستند به قرآن معقول یا خوف عقلایی باشد. پ - خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد. ت - توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود...».

نظربه های گوناگونی در خصوص فلسفه و علل پیدایش پلیس مطرح شده است که در حقیقت همگی آن ها به یک امر باز می گردد و آن هم «ضرورت و نیاز جامعه» به این نیروها است. لذا شخصیت وجودی این نهاد آمیزه ای از نظم و انتظام و اجرای قانون است. اکنون و با توجه به قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ ادغام کمیته انقلاب اسلامی، شهربانی و ژاندرمری کل کشور و تاسیس نیروی انتظامی به عنوان جایگزین نهادهای قبلی، می توان گفت نیروی انتظامی و پلیس در ایران، سازمانی مسلح است که در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور بوده و هدف از تشکیل آن، استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش فردی و عمومی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران است (باهری، ۱۳۹۰).

### تعریف حقوق بین الملل

حقوق بین الملل مجموعه قواعدی است که به طور کلی در رابطه بین دولت ها و بین ملت ها مورد پذیرش قرار می گیرند (bentham, 1789) این یک چارچوب برای انجام روابط بین المللی با ثبات و سازمان یافته است (حقوق بین الملل از نظام های قانونی دولتی متفاوت است، زیرا در درجه اول برای کشورها و نه برای شهروندان خصوصی قابل اجرا است. قوانین ملی ممکن است در زمانی که معاهدات صلاحیت ملی را به دادگاه های بین المللی مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر یا دادگاه بین المللی واگذار نماید. بسیاری از قوانین بین المللی حکومت مبتنی بر رضایت است. (sloanson, 2011) این بدان معنی است که یک عضو دولتی موظف به رعایت این نوع قوانین بین المللی نیست، مگر اینکه به صراحت با یک دوره خاص موافقت کند. این مسئله حاکمیت دولتی است. با این وجود، جنبه های دیگر حقوق بین الملل بر اساس رضایت نیستند، اما همچنان در مورد بازیگران دولتی و غیردولتی مانند قوانین بین المللی عرفی و هنجارهای قانونی (قواعد آمره) واجب است.

### - تجاوز و تعریف آن در حقوق بین الملل

طبق ماده ۵۲ کنوانسیون وین، «معاهده ای که با تهدید یا استفاده از زور در نقض اصول حقوق بین الملل مندرج در منشور سازمان ملل متحد انعقاد یافته است، باطل می باشد». در میان این اصول مقرر مندرج در بند ۴ ماده ۲ نمونه بارزی محسوب می شود. از آنجا که مفهوم زور در بند ۴ ماده ۲ چندان روشن نبود، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۴ قطعنامه شماره ۳۳۱۴ را، تحت عنوان «قطعنامه تعریف تجاوز» به اتفاق آراء تصویب کرد (شامبیاتی، ۱۳۹۳).

### - حمله پیش گیرانه و حالت ضرورت در حقوق بین الملل

بر اساس بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد و نیز قطعنامه شماره ۳۳۱۴، هر گونه توسل به زور ممنوع است و تنها استثنائات موجود هم دفاع مشروع و امنیت جمعی بین المللی می باشند. پس هر گونه حمله تحت عناوین مختلفی نظیر حمله پیش گیرانه و یا دفاع پیش گیرانه در برابر حمله قریب الوقوع، اساساً فاقد وجاهت قانونی هستند و بارها و بارها غیرقانونی و نامشروع بودن آنها توسط سازمان ملل متحد بیان شده است؛ نظیر حمله اسرائیل به راکتورهای هسته ای عراق در سال ۱۹۸۱ میلادی تحت عنوان حمله پیش گیرانه، حالت ضرورت: در ماده ۳۳ منشور سازمان ملل متحد، طرح مسؤلیت بین المللی دولت ها، بسیار با احتیاط انجام گرفته است (broms, 1977).

### - دفاع مشروع و شرایط آن در حقوق بین الملل

دفاع مشروع؛ ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد مقرر می دارد: «در صورت حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین المللی به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق دفاع مشروع انفرادی یا دست جمعی اعضا لطمه ای وارد نخواهد کرد. شرایط کلی دفاع مشروع؛ شرایط کلی دفاع مشروع در حقوق بین الملل به قرار زیر است: همان گونه که در ماده ۵۱ تصریح شده است، وقوع حمله نظامی شرط اصلی برای دفاع مشروع است و هرگونه حمله پیش گیرانه در این خصوص فاقد ارزش حقوقی بوده و دفاع محسوب

نمی‌شود. دفاع مشروع حتماً باید مسبوق به تهاجم نظامی باشد و تهاجمات ایدیولوژیک فرهنگی یا اقتصادی اساساً تجاوز محسوب نمی‌شوند.

میان حمله و دفاع، تناسب وجود داشته باشد. اساساً تعیین اینکه تجاوزی صورت گرفته یا خیر، در اختیار شورای امنیت است و در صورت بروز تجاوز، بایستی دفاع مشروع متناسب با آن صورت پذیرد. بنابراین، اگر تجاوز فقط در حد یک درگیری کوچک مرزی باشد، نباید دفاع در برابر آن به گونه‌ای باشد که به تخریب عمده در کشور متجاوز منتهی گردد. دفاع برای آن که مشروع باشد، بایستی فوری بوده و با سرعت، متعاقب تجاوز صورت گیرد. بنابراین، چنانچه تجاوز انجام و پایان گرفته باشد، و دفاع مدتی پس از آن صورت گیرد، دفاع مزبور مشروع تلقی نخواهد شد، بلکه اقدام تلافی جویانه محسوب می‌گردد، مگر اینکه تجاوز و اشغال استمرار داشته باشد. در هر حال باید توجه داشت که هرگونه اقدام تلافی جویانه از نظر حقوق بین‌الملل ممنوع و مطرود است. دفاع مشروع، چه به‌طور فردی و چه به‌طور جمعی مقدمه دخالت شورای امنیت و امنیت جمعی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد غرض از تدوین ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد این بوده است که تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم و ضروری را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام نداده، دولت‌ها بتوانند در صورتی که مورد حمله مسلحانه قرار گرفته باشند، به‌طور مقدماتی و موقتی از خود دفاع کنند.

#### - خودیاری در حقوق بین‌الملل

حق خودیاری کاربرد زور برای احقاق حق خویش است که نباید با دفاع مشروع اشتباه شود. معنا و کاربرد این دو اصل با یکدیگر از این جهت متفاوت است که: اصل دفاع مشروع برای حمایت از حقوقی مهم و اساسی، زمانی قابل اعمال است که وسیله مناسب دیگری برای حفاظت از حقوق اساسی مزبور وجود نداشته باشد. مضافاً آن که نقش دفاع مشروع صرفاً دفاعی بوده و در واقع برای دفاع از وضعیت حقوقی موجود در برابر حمله و خطر بسیار جدی مورد استناد قرار می‌گیرد. در مقابل، اصل خودیاری برای اجرای حقی، مثلاً به دست آوردن طلب و یا اجرای حکمی اعمال می‌شود و برخی اوقات نیز دارای وصف انتقامی است. در جامعه بین‌الملل، قبل از تصویب منشور سازمان ملل متحد، اصل خودیاری در روابط میان دولت‌ها معمول بوده، و دولت‌ها، به ویژه دولت‌های زورمند، در موارد مختلف، مانند دفاع از طلب و حقوق مالی و قراردادی اتباع خویش از دولت خارجی، ملزم نمودن دولت متخلف به قبول داوری برای حل آن اختلاف و یا پس از قبول داوری الزام آن دولت به قبول اجرای رأی داوری، اصل خودیاری را عنوان نموده و به جنگ و یا کاربرد زور علیه دولت دیگری می‌پرداختند (اردبیلی، ۱۳۹۳). اما رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نظر بسیاری از نویسندگان حقوق بین‌الملل، این ادعا را تأیید نمی‌کنند.

#### - دفاع مشروع طبق اساس نامه کیفری بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل کیفری نیز در اساسنامه‌های محاکم کیفری بین‌المللی مانند اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی رم و حتی در آرای صادره از محاکم کیفری بین‌المللی مانند دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ، دفاع مشروع به‌طور صریح یا ضمنی نیز مورد قبول قرار گرفته است.

#### تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل

##### - اصل عدم توسل به زور

اصل عدم توسل به زور پس از جنگ دوم جهانی به عنوان یک قاعده آمرانه پذیرفته شده است. بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد دولت‌ها را در روابط بین‌المللی از تهدید یا توسل به زور منع کرده است. (thomas, 1989) دیوان بین‌المللی دادگستری هم این اصل را نه فقط به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی بلکه به عنوان یک اصل اساسی و بنیادین

حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته است. منشور ملل متحد بر این اصل مسلم حقوق بین‌الملل، استثناء حق دفاع مشروع را وارد می‌کند. حق دفاع مشروع به عنوان یک استثناء بر قاعده مطرح می‌باشد. ماده ۱۵ منشور ملل متحد حق دفاع مشروع فردی یا جمعی را مورد شناسایی قرارداد. توسل به زور در پرتو حق دفاع مشروع شرایطی دارد که هم در نظام منشوری و هم در حقوق بین‌الملل عرفی مقرر شده است.

### - دفاع مشروع پیش‌دستانه

در حال حاضر در حوزه دفاع مشروع دکترینی مطرح می‌شود که دفاع مشروع را در وضعیت‌های خاص مجاز می‌شمارد. این دکترین به دفاع مشروع پیش‌دستانه معروف شده است که مفهومی منفک از دفاع مشروع پیشگیرانه می‌باشد. طبق دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه پاسخ مسلحانه به حملات قریب الوقوع یا آنجا که حمله‌ای وقوع یافته و دولت قربانی دریافته است که حملات بیشتری در حال طراحی است مجاز می‌باشد. (marze, 1989)

### - دفاع مشروع پیشگیرانه

ماده ۱۵ منشور ملل متحد یک استثناء آشکار بر ممنوعیت عمومی توسل یک جانبه به زور وارد کرده است و آن دفاع مشروع فردی یا جمعی می‌باشد. این ماده به هیچ‌گونه حق حمله به دولت دیگر به دلیل ترس از این که آن دولت در حال طراحی یا توسعه سلاح‌های قابل استفاده در حمله احتمالی است اشاره‌ای نمی‌کند. دفاع مشروع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل جاری غیر قانونی است. اقدام مسلحانه در دفاع مشروع تنها علیه حمله مسلحانه اجازه داده شده است. بعضی حقوق‌دانان طی سال‌ها تأکید می‌کردند که دفاع مشروع پیشگیرانه باید مشروع شناخته شود. دولت‌هایی همانند ایالات متحده از این که دیگر دولت‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی دسترسی یابند نگرانند و استدلال می‌کنند که صرف داشتن چنین سلاح‌هایی می‌تواند توسل به زور طبق دفاع مشروع را توجیه کند (زراعت، ۱۳۹۰).

### شرایط حمله و تجاوز

#### - فعلیت داشتن یا قریب الوقوع بودن

تجاوز باید فعلیت داشته باشد. اگر تجاوزی در گذشته انجام شده باشد، اما بعداً به آن پاسخ داده شود، این دفاع نیست به نوعی انتقام است. فعلیت تجاوز یک عمل مادی است که بلافاصله باید در مقابل آن دفاع صورت گیرد. لازم نیست خطر به طور کامل محقق شود و بعد فرد در مقابل آن به دفاع بپردازد، همین قدر که قریب الوقوع بودن خطر با قرائنی معلوم باشد، جهت دفاع در مقابل آن کافی است. برای تحقق دفاع مشروع باید دفاع مقارن تجاوز باشد. ماده ۱۵۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ صراحتاً به هرگونه تجاوز فعلی یا خطر قریب الوقوع اشاره کرده است. پس اگر تجاوز در گذشته بوده است و حمله خاتمه پیدا کرده و متعاقباً کسی که مورد حمله واقع شده، در مقام دفاع بر آید، توسل به دفاع مشروع منتفی است. در صورتی که احتمال تجاوز در آینده برود، این امر به شخص تهدید شده حق نمی‌دهد که به عنوان پیشگیری در مقام دفاع مشروع بر آید و مرتکب اعمال مجرمانه نسبت به تهدید کننده گردد، زیرا امکان مراجعه به مقامات قضایی و قانونی هست. (گلدوزیان، ۱۳۹۳)

#### - غیر قابل دفع بودن تجاوز

اگر فرد بتواند بدون آن که مرتکب عمل مجرمانه شود، تجاوز را از خود دفع کند، دیگر نمی‌تواند به دفاع مشروع استناد کند. این در بند ۴ ماده ۱۵۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. "توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود" دفاع مشروع ارتباطی با ویژگی‌های شخصیتی و خصوصیات فرد متجاوز ندارد. خواه طفل یا مجنون یا غیر بالغ باشد، اگر این‌ها به فردی تجاوز کنند، دفاع در مقابل آنها مشروع و جایز است. چون در دفاع مشروع افراد در پی صیانت از جان، مال، ناموس عرض خود یا دیگری در مقابل تجاوز دیگری هستند.

#### - غیرقانونی و غیرعادلانه بودن تجاوز

اگر فردی به جهات قانونی و به حکم قانون عملی را انجام دهد نمی توان در مقابل آن به دفاع پرداخت، مثلاً فردی مأمور اجرای حکم است در مقابل او نمی توان به دفاع پرداخت، اگر از حدود خود تجاوز کند می توان به دفاع پرداخت و دفاع مشروعیت دارد. مقصود از غیر قانونی بودن تعرض آن است که تعرض فاقد وصف قانونی باشد یا به عبارت دیگر تعرض مبتنی بر یک حکم قانون نبوده یا بر خلاف قانون باشد. و منظور از غیر عادلانه بودن تعرض این است که آن دسته از تعرضاتی که منشأ قانونی دارند، مثلاً مأموران انتظامی و ضابطین دادگستری حق دارند در جرایم مشهود مرتکبان جرم را دستگیر کنند ولی هر گاه مأمورین از حدود مقرر در قانون خارج شوند و موجب تهدیدی برای آزادی و حقوق افراد گردند، غیر عادلانه محسوب می شود. (ولیدی، ۱۳۹۲)

#### - فقدان تحریک قبل از تجاوز

مدافع نباید خود مرتکب عملی شود که شخص متجاوز تحریک گردد و به او حمله ور گردد و بعد او به دفاع در مقابل مهاجم بپردازد که در این صورت دفاع محسوب نمی گردد. این شرط کاملاً صحیح و منطبق با واقعیات اجتماعی است (اخوت، ۱۳۹۲). زیرا اغلب در عمل مشاهده می شود که شخصی به طریق شوخی یا مسخرگی یا جدی دیگری را تحریک و عصبانی می نمود و وقتی که طرف مقابل در اثر عصبانیت حاصله درصدد حمله بر می آمد همین محرک اولی نسبت به او مرتکب جرایمی از قبیل ضرب و جرح و حتی قتل می گردید و سپس در دادگاه مدعی می گردید که چون مورد حمله قرار گرفته از خود دفاع نموده است و حال اینکه علت اصلی وقوع جرم تحریکات اولیه همین شخص بوده است.

#### شرایط دفاع

برقراری نظم و امنیت و حفظ حقوق و آزادی افراد ایجاب می کند که دفاع کردن در مقابل تعرضات غیر قانونی محدود به شرایط و کیفیاتی باشد. در غیر این صورت توسل به این قاعده جهت مشروعیت عمل ممکن نیست. به همین دلیل ارتکاب اعمالی که در شرایط عادی جرم محسوب می گردد اگر در یک شرایط خاص صورت گیرد جرم محسوب نمی گردد و مرتکبان آن قابل تعقیب و مجازات نخواهند بود. با توجه به ماده ۱۵۶ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲ و مواد دیگر قانون مجازات اسلامی می توان پی برد که در یک شرایط و اوضاع و احوال خاصی قانون گذار دفاع در مقابل حمله یا تجاوز دیگری جائز دانسته است که ارتکاب همان اعمال در شرایط عادی جرم محسوب می گردد.

#### - متناسب بودن دفاع با تجاوز و حمله

در بند یک ماده ۱۵۶ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲، در مورد اینکه دفاع ضرورت داشته باشد به صراحت ذکر شده است، اما متناسب بودن دفاع با تجاوز چیزی ذکر نشده است. متناسب بودن دفاع با تجاوز مقابله به مثل نیست، یعنی نمی توان گفت که فقط می توان در مقابل حمله به جان، جان مهاجم و در مقابل حمله به جسم، جسم مهاجم و در مقابل حمله به مال، مال مهاجم را مورد حمله قرار داد. در ماده ۶۲۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، (نسخ شده به وسیله قانون ۱۳۹۰) صراحتاً اشعار می دارد که حتی برای دفاع از مال، می توان به قتل مهاجم دست زد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲)

#### - ضرورت دفاع

در واقع مهم ترین شرط دفاع مشروع، ضروری بودن آن است. در صورتی که دفع مهاجم به هیچ وسیله ای ممکن نباشد مثل توسل به قوای دولتی. و تنها راه دفع، مقابله با متجاوز است. در این صورت یک حالت ضرورت برای فرد پیش می آید که می تواند در مقابل مهاجم به دفاع بپردازد. اما اگر مثلاً کودکی به فرد بزرگسالی حمله ببرد و بی آنکه لازم باشد، جهت دفع او به قتل یا جرح یا ضرب او دست زد بتواند از خود دفع کند به او آسیبی برساند،

- بررسی دفاع مشروع پلیس در حقوق کیفری ایران

برای اولین بار در سال ۱۳۰۴ و در قانون مجازات عمومی به پیروی از فقه غنی اسلامی و مجموع قوانین جزایی اروپایی به خصوص فرانسه، تأسیس دفاع مشروع وارد قوانین موضوعه ایران شد و از همان ابتدا مقاومت در برابر مأموران دولتی و قوای انتظامی، تفکیک و جداگانه مورد حکم قرار گرفت. طبق ماده ۱۸۷ آن قانون: «مقاومت با قوای نظمیه و امنیه در موقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود؛ ولی هرگاه قوای مزبوره از حدود وظیفه خود خارج شوند و بر حسب ادله و قراین موجوده، خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض شود، در این صورت دفاع در مقابل آنها نیز جایز است». پس موضوعات قابل دفاع در برابر قوای نظمیه محدود به جان و عرض بود. در حالی که طبق همان قانون در شرایط عمومی امکان دفاع از ناموس و مال نیز وجود داشت. طی اصلاح قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۵۲، شرایط دفاع به شکل بهتری جمع شد و در مورد مقاومت در برابر نیروهای انتظامی نیز ماده ۴۴ با اندک تغییرات نگارشی جایگزین ماده قبلی شد.

- موضوعات دفاع در برابر پلیس

حفظ حقوق و آزادی افراد و نظام جامعه مستلزم آن است که ولو در مقام دفاع تعرضات اشخاص محدود و مقید به شرایط و حدودی باشند. چه در غیر این صورت ممکن است که اجازه قانونی دفاع مستمسکی برای وارد ساختن تعرضات بی رویه و غیر منطقی گردد و به نظم جامعه و حقوق افراد لطمه وارد آورد. این امر در فرض دفاع در برابر پلیس که خود تامین کننده نظم عمومی جامعه است بیش از پیش اهمیت می‌یابد (آقایی نیا، ۱۳۹۷).



### بحث و نتیجه‌گیری

دفاع در برابر دشمن که امری فطری است و ریشه در درون انسان دارد، از دیرباز به عنوان یک تاسیس حقوقی وارد قوانین کیفری کشور های مختلف جهان شده است؛ اما در فرض دفاع در برابر پلیس و دیگر ضابطین دادگستری اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از حقوقدانان نظریه اطاعت مطلق، برخی دیگر مقاومت مطلق و عده ای نیز دیدگاه بینابینی را اتخاذ کرده اند. در قانون ایران طبق مواد ۶۲ و ۶۲۸ قانون مجازات اسلامی، امکان مقاومت در برابر «آزادی تن» و «ضرب» در مقابل ضابطین دادگستری وجود ندارد؛ ولی «مال» که به نظر نمی رسد ترجیح خاصی بر دو مورد دیگر داشته باشد، به عنوان یکی از ارزش های قابل دفاع در برابر این مأموران پذیرفته شده است. این موضع قانونگذار منطقی به نظر نمی رسد و اصلاح آن ضروری می باشد.

طبق مواد ۶۲ و ۶۲۸ قانون مجازات اسلامی، مقاومت در برابر نیروهای انتظامی هنگامی ممکن است که اولاً قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و دیگر اینکه حسب ادله و قراین موجود خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس یا مال شود. استفاده از حق طبیعی دفاع مشروع به عنوان یکی از قواعد مهم حقوق بین المللی در آرای قضایی بین المللی، عملکرد دولت ها و عقاید علمای حقوق از اهمیت بسزایی برخوردار بود. به موجب مقررات حقوق بین الملل، دولتها تنها در یک مورد می توانند به زور متوسل شوند و آن دفاع از خود یا دفاع مشروع است. میثاق جامعه ملل، پیمان بریانکلوگ و منشور ملل متحد، دفاع مشروع را حق قانونی دولتها دانسته اند. در حقوق بین الملل کیفری نیز در اساسنامه های محاکم کیفری بین المللی مانند اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی دائمی رم و حتی در آرای صادره از محاکم کیفری بین المللی مانند دادگاه نظامی بین المللی نورنبرگ، دفاع مشروع به طور صریح یا ضمنی نیز مورد قبول قرار گرفته است.

از یک سو حفظ نظم عمومی و امنیت خاطر مردم در گرو اقتدار پلیس است و از دیگر سو همین افراد اگر از حدود وظایف خود خارج شوند چه بسا حقوق مردم با خطر جدی مواجه شود. از این رو نمی توان گفت یکی از این دو بر دیگری ترجیح دارد بلکه این نیروهای پلیس هستند که باید بر مدار قانون که همان حفظ حقوق شهروندان است گلم بردارند. پس حفظ حقوق شهروندی و حفظ مصالح کشور در عرض یکدیگر بوده و نسبت به هم برتری ندارند. اعضای پلیس باید تلاش و دقت لازم را در انجام دقیق و صحیح وظایف قانونی خود به عمل آوردند تا اولاً در اثر سستی و مسامحه آن ها نظم جامعه گسیخته نگردد و ثانیاً با سخت گیری بی مورد و بی توجهی آن ها به قوانین، حقوق و آزادی ها و آبرو و اعبار افراد تضییع نگردد.

دفاع مشروع باید در برابر یک حمله غیر قانونی و ناموجه انجام شود و تجویز آن در برابر پلیس نیز هنگامی میسر است که آن ها از دایره قانون خارج شده باشند به گونه ای که عمل آن ها را دیگر نتوان موجه و قانونی دانست. ضابطه تشخیص این مسئله نیز استناد به قراین و ادله معقول است. به عقیده نگارندگان بهترین نظریه آن است که خروج از دایره قانون توسط این مأمورین خروجی آشکار و بین باشد تا در عمل مشکلات چندانی به وجود نیآورد؛ زیرا اگر اجازه دهیم هر کس مدعی خروج ضابط از حدود وظایف گردد بتواند علیه وی اقدام نماید؛ مثل این است که تشخیص عامیانه و اجمالی افراد را بر تشخیص عملی و استدلال محاکم ترجیح دهیم و اگر چنین باشد کلیه اقدامات روزانه قوای عمومی دولت فلج خواهد شد. در حقوق فرانسه نیز مشابه چنین دیدگاهی پذیرفته شده است؛ زیرا قانون گذار این کشور محدودیت خاصی قایل نشده است؛ زیرا قانون گذار این کشور محدودیت خاصی قایل نشده بلکه قضاوت را بر عهده رویه قضایی نهاده است که طبق آن تنها هنگامی که خروج از وظیفه به صورت آشکارا و قابل تشخیص برای هر فرد باشد طرف مقابل حق دفاع خواهد داشت.

قانون مجازات اسلامی حق دفاع در برابر اقدامات غیر قانونی پلیس و ضابطین دادگستری را به صورت مجزا از سایر مأموران دولتی و همچنین افراد عادی تدوین کرده و پذیرفته است. از طرف دیگر، همانند سایر مواد راجع به دفاع مشروع،

مفاد مقاومت در برابر ضابطین نیز به صورت پراکنده و با شیوه نگارشی ضعیفی آورده شده و تنها تفاوت ماده ۶۲۸ با ماده ۶۲، وارد کردن ارزش مال در شمول موضوعات مورد حمایت است. مقنن شرط خاصی را برای مقاومت علیه حمله و تجاوز غیر قانونی ضابطین مقرر نکرده است و عنوان «خروج از وظیفه» را نیز می‌توان معادل شرط غیر قانونی بودن حمله در شرایط عادی دانست که همچون سایر شروط در این فرض نیز لازم‌الرعایه است؛ اما بر اساس مصلحت و ترجیح منافع عمومی بر منافع شخصی، امکان دفاع از آزادی تن و ضرب را سلب کرده است. پس در صورتی که رفتار و اقدامات پلیس و نیروی انتظامی در حدود وظیفه باشد، مقاومت، نامشروع و مدافع متمرّد خواهد بود؛ ولی خروج این مأموران از حدود وظایفشان، مقاومت را تبدیل به دفاع مشروع می‌کند و مدافع مسئولیتی نخواهد داشت. پس مقاومت در برابر مأمورین در حین انجام وظیفه در صورتی جرم می‌گردد؛ که با علم و آگاهی باشد و چنانچه متهم ادعا نماید که علم و آگاهی نسبت به مأمور بودن آنان نداشته باشد و این ادعا ثابت گردد، موجبات تبرئه متهم از اتهام مقاومت در برابر مأمورین فراهم خواهد شد. لذا مأمورین دولتی بخصوص مأمورین انتظامی باید همواره در مأموریت‌ها از لباس فرم مصوب و شناخته شده استفاده نمایند و مضافاً کارت شناسائی خود را همراه داشته باشند تا در صورت درخواست نسبت به ارائه آن و معرفی خود اقدام نمایند و چنانچه در انجام برخی از مأموریت‌های خاص استفاده از لباس شخصی ضرورت پیدا نماید بایستی در اولین فرصت پس از شروع به مأموریت نسبت به معرفی خود با ارائه کارت شناسائی اقدام نمایند.

وقتی مأمور دولتی، خارج از حدود وظیفه و صلاحیت و اختیارات خود عمل می‌کند، اعمالش غیر قانونی است و لذا مقاومت در برابر او مصداق جرم تمرّد تلقی نمی‌شود؛ اما این طور هم نیست که لزوماً مشروع به حساب آید، بلکه بر حسب وجود یا عدم وجود شرایط لازم برای مشروعیت دفاع - اعم از شرایط عمومی دفاع و شرایط اختصاصی که برای جواز مقاومت در برابر مأموران دولت لازم است - ممکن است دفاع مشروع محسوب بشود یا نشود. اما در صورتی که دفاع مشروع به حساب نیاید، در برخی موارد مشمول عنوان مجرمانه دیگری غیر از تمرّد قرار گیرد. هر کس در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال یا هرگونه حق خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز خلاف قانون فعلی یا خطر قریب الوقوع ولو این که از سوی مأموران دولتی صادر گردد، مرتکب رفتاری شود که جرم شمرده می‌شود. در صورت اجتماع شرایط زیر، مجرم محسوب نمی‌شود: خوف مستند بر قرائن معقول باشد.

توسل به قوای دولتی یا هرگونه وسیله آسان تر برای نجات، میسر نباشد.

دفاع، متناسب با تجاوز یا حمله باشد.

تبصره ۱ - مقررات این ماده در مورد دفاع از مال غیر در صورتی قابل اجرا است که حفاظت مال غیر به عهده دفاع کننده بوده یا صاحب مال استمداد کند.

تبصره ۲ - در مورد مأموران دولتی شرط مشروع بودن دفاع آن است که مأمور از حدود وظیفه خارج شود.

هرچند اعمال خارج از حدود وظیفه و غیر قانونی مأموران دولت، مصداق عبارت هرگونه تجاوز خلاف قانون مندرج در ماده فوق قرار می‌گیرد که مقاومت در برابر آنها جایز است لکن پیش بینی تبصره ۲ به لحاظ رفع ابهام از مسأله مناسب است. در این صورت اعمالی که مأموران دولت در حدود وظایف محول انجام می‌دهند و همچنین ارتکاب جرائمی که به حکم قانون یا به امر امر قانونی برای انجام دادن وظیفه آنان ضروری است (موضوع مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی) مصداق عبارت مذکور قرار نمی‌گیرد و مقاومت در برابر آنها نه فقط جایز نیست، بلکه تمرّد محسوب می‌شود.

## منابع

- آقایی نیا، حسین ۱۳۹۷، جرایم علیه اشخاص؛ جنایات، چاپ دهم. تهران: میزان
- اخوت، محمد علی ۱۳۹۲، تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی، چاپ اول. تهران: صابریون
- اردبیلی، محمد علی ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ششم. تهران: نشر میزان
- بهری، محمد ۱۳۹۰، نگرش بر حقوق جزای عمومی. چاپ اول. تهران: انتشارات مجد
- پیمانی، ضیاء الدین ۱۳۹۲، تفصیل قواعد دفاع مشروع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- دهخدا، علی اکبر ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، جلد ۳۶. تهران: دانشگاه تهران
- رحمدل، منصور ۱۳۹۳، بار اثبات در امور کیفری. چاپ اول. تهران: سمت
- رحیمی مقدم، احمد ۱۳۸۹، دفاع مشروع در حقوق کیفری ایران و انگلستان. چاپ اول. تهران: مجد
- زراعت عباس ۱۳۹۰، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوق کنونی. تهران: خط سوم
- شامبیاتی، هوشنگ ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ دهم. تهران: انتشارات ژوبین
- قاسم پور، ابوالقاسم ۱۳۸۱، ضابطین قوه قضاییه و وظایف آنها، چاپ اول. تهران: افق امید
- گلدوزیان، ایرج ۱۳۹۳، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، چاپ بیستم. تهران: نشر میزان
- معین، محمد ۱۳۹۰، فرهنگ فارسی معین، جلد دوم. تهران: امیر کبیر
- میر محمد صادقی، حسین ۱۳۹۲، جرایم علیه اشخاص، چاپ پنجم. تهران: نشر میزان
- ولیدی، محمد صالح ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ اول. تهران: نشر داد
- Advisory Board, "Encyclopedia of public International Law", vol. 4, "Use of Force, War and Neutrality, peace Treaties", North Holland publishing Co. 1982
- Broms, B., "The Definitions of Aggression", Recueil des Course, Vol. 154, 1977.
- collectivesecurity, "Encyclopedia of public International Law", vol. 3, "Use of Foyce, War and Neutrality, peace Treaties", North Holland publishing Co. 1982
- Mraze, Josef, " Prohibitions of the Use and Threat of Force: Self-Defence and Self-Help in International Law", Canadian Yearbook of International Law, 1989.
- Rostow, E. V., "Until What? Collective Self-Defense on Enforcement Measures? American Journal of International Law, Vol. 85, No. 3, 1991.
- Slomanson, William (Fundamental Perspectives on International Law .Boston, USA: Wadsworth. pp. 4-5, 2011.
- The term was first used by Jeremy Bentham in his "Introduction to the Principles of Morals and Legislation" in 1780. See Bentham, Jeremy, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, London: T. Payne, p. 6, retrieved 05-12-2012, 1789.
- Thomas M. Franck, The Emerging Right to Democratic Governance, 86 AJIL 46 (1992). Security Council Res. 940. 1994